

## تحلیل اثرات نقش اقتصادی زنان روستایی بر شادزیستی آنان (مورد مطالعه، دهستان جوشق، شهرستان دلیجان)

تأیید: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

سمیه حقی<sup>۱</sup>

### چکیده

رسیدگی به امور خانه، همسر و فرزندان، بخشی از نقش‌های زنان است. ایفای این نقش‌ها زمانی کامل می‌شود که زنان با حضور در عرصه اقتصادی، عنصری مولد در جامعه باشند. با توجه به این هدف، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با مطالعه نقش اقتصادی سه نسل از زنان روستاهای دهستان جوشق در شهرستان دلیجان استان مرکزی، تحلیلی از اثرات ایفای این نقش بر شادزیستی آنان، ارائه گردد. این مطالعه کیفی، حاصل حضور ۸ ماهه نگارنده در ۶ روستای این دهستان است. اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه‌های فردی و گروهی با ۳۶ زن، با روش نظریه بنیانی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. طبق یافته‌ها، نقش‌های اقتصادی سه نسل از زنان، دستخوش تحولات اساسی شده است. تحولات نقشی با کاهش سطح تعاملات و همکاری‌های زنان، افزایش وابستگی آن‌ها به نهادهای بیرونی و از بین بردن خودکفایی اقتصادی، از میزان شادی آن‌ها کاسته است. زنان نسل اول با دوره‌های مقطعی مانند حضور در مراسم مذهبی، زنان نسل دوم با بهره‌گیری از آموخته‌های خود مانند بافت قالی و نسل سوم (جوانان) با مشارکت محدود در گُل‌چینی، تلاش دارند تا با استفاده بهینه از اوقات فراغت و دوری از فردگرایی، روحیه فعالیت‌های جمعی و شادی را در خود تقویت نمایند.

**واژگان کلیدی:** زنان روستایی، نقش اقتصادی، شادزیستی.

<sup>۱</sup>. استادیار دانشگاه فرهنگیان، لرستان، ایران، نویسنده مسئول، s.haghi@ut.ac.ir

## مقدمه

زنان به عنوان نیمی از جامعه، همپای مردان در جامعه فعالیت می‌کنند و مسئولیت‌های مهم و کارآمد را برعهده می‌گیرند. اگر در گذشته زنان با ایفای وظایف خانوادگی فقط دغدغه فرزندپروری داشتند، اکنون با تغییرات ایجاد شده در جوامع، در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز به عنوان افرادی فعال، پرتوان و خلاق حضور یافته و در راستای حفظ و ارتقای نقش خود در جامعه می‌کوشند.

یکی از عرصه‌های فعالیت زنان که از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه‌یافتگی جوامع نیز محسوب می‌شود، فعالیت اقتصادی آنان است. زنان با مشارکت اقتصادی‌شان به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته، امیدی برای ارتقای وضعیت خانواده‌ها و بهبود شرایط جامعه هستند. نقش‌های زنان در فعالیت‌های اقتصادی، علاوه بر سود مادی، منافع اجتماعی - فرهنگی مضاعفی را برای خانواده و جامعه به ارمغان می‌آورد. از یک سو پشتوانه مالی خانواده ارتقا و کیفیت زندگی‌شان بهبود می‌یابد و از سوی دیگر، با افزایش تولید و درآمد سرانه ملی، کشور به سوی پیشرفت گام برمی‌دارد. طبق آمارها، فعالیت‌های اقتصادی زنان ۲۵ تا ۳۵ درصد کل فعالیت‌های جهان را تشکیل می‌دهد (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹). در کشورهای آسیایی، سهم زنان در اقتصاد به‌خصوص فعالیت‌های کشاورزی بالاست. براساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، زنان ۴۹/۶ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. به‌علاوه ۴۰ درصد از نیروی کار روستاها و ۱۳ درصد از نیروهای کار فعال در شهرها را زنان تشکیل می‌دهند. در این میان، زنان روستایی از بهره‌ورترین و کارآمدترین عناصر تولید در روستاها هستند. آنان نسبت به مردان، زمان بیشتری را به انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامداری اختصاص می‌دهند. با این وجود، ایفای نقش اقتصادی زنان، تحت شرایط استرس‌زای بی‌شماری از قبیل محرومیت‌های اقتصادی، خستگی زیاد ناشی از انجام وظایف متعدد، پایین بودن سطح تقاضای کار، نداشتن مزایای بیمه‌های درمانی، بازنشستگی و انزوای عاطفی و اجتماعی و نقش‌های جنسیتی سنتی قرار دارد؛ در نتیجه، آنان در معرض مشکلات روحی، روانی از جمله اضطراب و افسردگی قرار می‌گیرند. علاوه بر این، در کشورهای جهان سوم، بودجه و منابع ناچیزی به بهداشت و سلامت روانی زنان تخصیص داده می‌شود و مناطق روستایی دسترسی کمتری به خدمات تخصصی بهداشت روانی (همچون روان‌پزشکان) دارند. در ایران، حدود یک‌چهارم جمعیت ۳۹ میلیونی زنان در روستاها هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و تجربه‌های متفاوتی از محرومیت را می‌چشند. طبق پژوهش‌های انجام شده، در مناطق

روستایی، زنان از نظر تأمین نیازهای فرصت و فراغت، بهزیستی و نیازهای اولیه، احساس ناراضی‌داری دارند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۸۲) و میزان شادی و نشاط و هم‌چنین سلامت روانی آن‌ها در حد متوسط و رو به پایین گزارش شده است (حقی، ۱۳۹۲).

فشارهای روانی و هیجانی، علاوه بر ایجاد اختلالات روحی و جسمی از میزان خلاقیت، تلاش برای دستیابی به هدف و... که لازمه رسیدن به جامعه‌ای پیشرفته است، می‌کاهد. از سوی دیگر، فردگرایی و فقدان روحیه کار گروهی، به عنوان معضلی انسانی، زندگی فردی و اجتماعی زنان را تحت تأثیر خود قرار داده است.

توجه به شادزیستی زنان روستایی از آن‌جایی ضروری است که آنان آگاهانه می‌توانند با ایفای نقش اقتصادی مفید بوده و جامعه را در جهت رسیدن به اهداف متعالی یاری رسانند. دهستان جوشق در شهرستان دلیجان استان مرکزی متشکل از ۶ روستا (لاران، ریجان، خاوه، جوشق، بهار و مهدی‌آباد) با مرکزیت روستای جوشق است. زنان این روستاها، مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بوده‌اند. شغل اصلی روستائیان دهستان جوشق، کشاورزی و دامداری است و زنان نیز در کنار مردان روستا، نقش مهمی در تأمین معیشت خانوار دارند. در زمینه دامداری، فرآیند چرا و نگهداری دام‌ها و فرآیند تولید و فروش فرآورده‌های لبنی، از جمله وظایف زنان است. در گذشته، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی زنان، با همکاری و مشارکت یکدیگر صورت می‌گرفت. مشارکت‌های خودانگیخته زنان برای تأمین نیازهای اقتصادی، با شادزیستی آنان همراه بود. دغدغه نگارنده از انجام این پژوهش، پاسخ به سؤالات زیر است: شادی از دیدگاه زنان روستایی چه مفهومی دارد؟ نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی در طول زندگی، چگونه ایفا می‌شود؟ ایفای این نقش چگونه به شادی آن‌ها می‌انجامد؟ و زنان روستایی چگونه به خلق شادی در روستاهای خود کمک می‌کنند؟

### پیشینه تجربی پژوهش

#### الف) نقش اقتصادی زنان روستایی

نقش<sup>۱</sup>، به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است،

1. Role

انتظار دارند. نقش‌ها یا انتسابی<sup>۱</sup> هستند یا اکتسابی<sup>۲</sup> (کوئن، ۱۳۷۲: ۸۴-۸۳). در خانواده‌های ایرانی دختر خانواده بودن، همسر و یا مادر بودن از نقش‌های انتسابی زنان است. در جامعه روستایی، شایستگی‌ها و مهارت‌های فردی یک زن، می‌تواند موجب شود او یک معلم، مسئول خانه بهداشت، روان‌شناس، مددکار و... شود. ایفای نقش اقتصادی نیز، حاصل کسب مهارت زنان برای حضور در جامعه است.

مروری بر مطالعات صورت‌گرفته در این خصوص، حاکی از آن است که ایفای نقش اقتصادی زنان در مناطق روستایی به شیوه‌های مختلفی متجلی می‌شود. بخشی از این تلاش به صورت مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و مالی و بخش دیگر تلاش‌ها، مربوط به بهره‌گیری زنان از اطلاعات بومی و محلی برای درمان و مداوای بیماری‌ها، آشنایی با مهارت‌های جدید و... است. طبق نتایج اورهات<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، زنان نقش مهمی در تولید محصولات معیشتی جهان ایفا می‌کنند. نتایج پژوهش یوگبانا<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) حکایت از آن داشت که زنان روستایی نیجریه (زیمباوه) دانش زیادی راجع به کشاورزی، مراقبت‌های بهداشتی، نگهداری از کودکان و اقتصاد خانوار دارند. به باور اودم لام<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) دسترسی زنان روستایی نیجریه (منطقه ایبیا) به دانش و اطلاعات زمینه‌ساز توان‌مندی اقتصادی آنان است.

در مطالعات انجام‌شده در ایران، ایفای نقش اقتصادی با مشارکت زنان عجین شده است و میزان مشارکت در فعالیت‌های مختلف روستایی، به کسب یک موقعیت شغلی و افزایش درآمد و خودکفایی آنان می‌انجامد (غفاری و ترکی هرچگانی، ۱۳۹۰). افزایش سن نیز منجر به افزایش مشارکت زنان روستایی می‌شود (محسنی تبریزی و میرزایی، ۱۳۸۳). هم‌چنین فرصت‌های شغلی، سطح سواد و پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان، سطح سواد اطرافیان از جمله والدین و همسر، تعداد فرزندان، موقعیت شغلی پدر خانواده و دسترسی به رسانه‌های جمعی نیز در فعالیت‌های اقتصادی زنان مؤثر است (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۹).

1. Ascribed Status
2. Achieved Status
3. Overholt
4. Ugboma
5. Odeome Lam

گرچه افزایش مشارکت زنان سهم مهمی در اقتصاد خانواده دارد ولی در اشتغال آن‌ها نوعی بی‌ثباتی توأم با درآمد کم ملاحظه می‌شود (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۶). متأسفانه با وجود تلاش‌های زیاد زنان، نقش این گروه غالباً در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی نادیده گرفته می‌شود (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۲). هم‌چنین نقش مدیریتی زنان در زراعت و دامداری نیز بسیار کم بوده و تصمیمات کلیدی به وسیله مردان گرفته می‌شود (حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲).

گاه عوامل بازدارنده‌ای نیز مانع از مشارکت اقتصادی زنان می‌شوند. مهم‌ترین موانع مشارکت اقتصادی زنان، فرهنگی است. آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر منطقه روستایی، پایین بودن سطح تحصیلات زنان، عدم رضایت همسر (ممانعت وی)، تمسخر و ایراد اهالی و... مانعی مهم قلمداد می‌شوند (میرکزاده و همکاران، ۱۳۸۹).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود طبق نتایج پژوهش‌های انجام شده در ایران، زنان در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده نقش مؤثری دارند و هنوز هم زن یک بازوی اقتصادی قدرتمند در خانواده است. در جامعه مدرن کنونی، با وجود موانع متعدد، نیمی از زنان به‌طور مستقیم در فعالیت اقتصادی جامعه مشارکت دارند. آن‌ها با ایفای نقش در قالب مشاغل مختلف، سهمی مؤثر در تأمین اقتصاد خانواده دارند. حتی زنان خانه‌دار نیز با انجام امور خانه، تولید صنایع دستی، مشاغل خانگی و... به نوعی ایفاگر این نقش مهم هستند.

### ب) شادزیستی

معمولاً معادل واژه احساس خوشبختی<sup>۱</sup> (شادکامی) در فارسی را، الفاظی چون نشاط، شادی و خوشبختی به کار می‌بریم. برخی از جامعه‌شناسان لفظ فارسی «شادزیستی» را معادل این واژه به کار برده‌اند (عنبری، ۱۳۹۷: ۸). در لغت‌نامه دهخدا، شادی حالت مثبتی است که در انسان به وجود می‌آید و در مقابل غم و اندوه قرار دارد.

بخش اعظم مطالعات خارجی انجام شده در زمینه شادی، درباره عوامل مؤثر بر این متغیر اجتماعی - فرهنگی است. طبق نتایج اسپرر و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) رابطه با دوستان و ایجاد محیط توأم با محبت، تجارب موفق و لذت بردن از غذا، می‌توانند در رشد عواطف و به‌ویژه شادی مهم

<sup>۱</sup>. Scherert

باشند. دالن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) معتقدند که بیماری، بیکاری، جدایی از همسر و نداشتن ارتباط اجتماعی، رابطه منفی قوی با شادکامی دارند.

به عقیده لیا<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، شادکامی اجتماعی به استقلال در تصمیم‌گیری، خوش‌بینی به زندگی، کارآمدی و رضایت‌مندی شغلی روستاییان منجر می‌شود. به باور ولازکو و رویا<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، افزایش امکانات رفاهی، مشارکت و عضویت در گروه‌ها، سلامت روحی و کیفیت رضایت از زندگی، در گروه ارتقای نشاط اجتماعی افراد روستایی است. کووما و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که رابطه با دوستان و ایجاد فضای توأم با محبت، می‌تواند در رشد عواطف و به‌ویژه شادی مهم باشد. کوپر و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) نیز پی بردند که هرچه میزان مشارکت افراد بیشتر باشد، نشاط آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. گار<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) بیان می‌کند که محیط زندگی لذت‌بخش، به‌طور قابل ملاحظه‌ای با شادکامی و رضایت از زندگی بیشتری نیز همراه است.

برخی از پژوهش‌ها نقش عوامل روان‌شناختی را در ارتقای شادی افراد مؤثر دانسته‌اند. آلبرکستن<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) معتقد است، تجربه استرس، احساس شادکامی را کاهش و سلامت روانی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

تعاملات و ارتباط‌های متقابل با اطرافیان (دوستان، همسایه‌ها و...) از دیگر متغیرهای مؤثر بر شادی است. در این صورت شبکه روابط بین افراد، تبیین‌کننده مؤثری برای نشاط اجتماعی است (جعفروند و فتحی، ۱۳۹۴). در بخش دیگری از پژوهش‌ها، مشارکت غیررسمی افراد در گروه‌های دوستانه و... مؤیدی برای نشاط بیشتر بوده است (صنعت‌خواه و دادخواه‌فر، ۱۳۹۴). گاه نشاط و شادمانی را عاملی برای بهبود عملکرد و در نتیجه بهره‌وری و بازدهی بیشتر کار عنوان نموده‌اند. همان‌گونه که بیان گردید، مطالعات مربوط به شادی، بیش از هر چیز، مربوط به عوامل مؤثر بر شادی است. بخشی از این عوامل، زمینه‌ای هستند مانند جنسیت، درآمد، وضعیت تأهل و...

1. Dolan

2. Lia

3. Velazco

4. Koivumaa-Honkanen

5. Cooper et al

6. Carr

7. Alberekstan

همچنین ارتباط مؤثر با اطرافیان (همکاران، دوستان، خانواده)، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی، آموزش، رضایت از زندگی، دینداری و شرکت در مراسم مذهبی، از جمله عوامل غیرزمینه‌ای هستند. در مطالعات ایرانی نیز تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند احساس امنیت اجتماعی، رضایت‌مندی، انتظارات از زندگی، خانواده و...) و عوامل روان‌شناختی مانند (شخصیت، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، استقلال عاطفی و...) بر شادی و نشاط مشهود است.

### پیشینه نظری پژوهش

با مروری بر پیشینه تجربی، نقش اقتصادی زنان روستایی شامل کمک به رفع نیازهای مادی خانواده، تلاش جهت خودکفایی اقتصادی، مشارکت در امور کشاورزی و دامداری، تولید صنایع دستی (بافت قالی)، مشاغل خانگی و بیرونی است. در مطالعات انجام شده و دیدگاه‌های موجود در زمینه شادی، محققان از سه متغیر «رضایت از زندگی، احساس لذت از زندگی، احساس امنیت و آزادی» بهره گرفته‌اند. در پژوهش حاضر نیز به این شاخص‌های سنجش شادی اشاره می‌شود.

### الف) رضایت از زندگی

رضایت از زندگی، نگرش مثبت فرد و خشنودی نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند. دورکیم<sup>۱</sup> معتقد است هیچ موجودی تا نیازها و امکاناتش تطابق مطلوبی با یکدیگر نداشته باشند، نمی‌تواند از زندگی خود لذت ببرد یا اصلاً زنده بماند. وی، رضایت از زندگی را تابع نوع، شدت و چگونگی رابطه اجتماعی می‌داند. رابطه اجتماعی از دو جهت بر رضایت فرد از زندگی اثر می‌گذارد. از یک‌سو، با تأمین نیازهای عاطفی، شناختی و حتی مالی فرد، رضایت او را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، از طریق مهار تمایلات افراد از آرزوهای بی‌پایان و ارضانشدنی جلوگیری می‌کند (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۶۴). مرتن<sup>۲</sup>، معتقد است در جامعه باثبات، بین اهداف و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و راه‌های پذیرفته شده از سوی مردم برای دستیابی به اهداف، تعادل وجود دارد. وقتی این رابطه نامتعادل گردد، نظم اجتماعی مختل و شرایط آنومی ایجاد می‌شود

1. Émile Durkheim

2. Robert K. Merton

(رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۳۶). در نظریه گار<sup>۱</sup>، اصطلاح محرومیت، برای نشان‌دادن تنش برخاسته از اختلاف میان «باید» و «هست» و احساس نارضایتی از زندگی، به‌کار می‌رود (همان، ۴۵). زنان در زندگی با وقایع، موقعیت‌ها و اتفاقاتی روبرو می‌شوند که می‌تواند سلامت روان و توانایی‌های آنان به‌ویژه شادی و رضایت از زندگی را مختل کند. تعادل بین آرزوهای شخصی و وضعیت فعلی افراد، نتیجه‌اش رضایت از زندگی است. زنان روستایی به‌خصوص دختران جوان، همواره به مقایسه شرایط زندگی با خواست‌ها و آرمان‌های خود می‌پردازند و زمانی که زندگی را مطابق شرایط مطلوب نمی‌بینند، احساس نارضایتی در آن‌ها به وجود می‌آید.

### ب) لذت از زندگی

دامنه لذت‌گرایی، از لذات جسمانی و آسایش تا لذات عاطفی و شناختی افراد مانند لذت بردن از تعاملات اجتماعی و هنر، گسترده شده است (هوتا و رایان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). اپیکور<sup>۳</sup> عقیده دارد که «لذت، آغاز و غایت زندگی است و انسان فقط در جست‌وجوی خوشبختی است». وی دو نوع میل در انسان را از هم متمایز می‌کند. الف) میل طبیعی که به انواع ضروری (میل به غذا و خواب) و غیرضروری (میل به شهوت) تقسیم می‌شود. ب) میل به خودپسندی (پوشیدن لباس زیبا یا غذاهای عجیب). از نظر او، آدم خوب (دارنده بیشترین لذت) کسی است که بر همه امیال غیرلازم غلبه و امیال غیرضروری را در معتدل‌ترین شکل ارضا کند (عنبری، ۱۳۹۷: ۳۹-۳۸).

پرداختن به امور روزمره و تلاش زنان برای تأمین نیازهای خود و خانواده و آرامش اعضای خانواده، در کسب لذت آن‌ها از زندگی مفید است. این در حالی است که برآوردن نیازهای غیرطبیعی مثل تجمل‌گرایی و... امری نامطلوب بوده و آن‌ها را از رسیدن به اهداف متعالی در زندگی باز می‌دارد. لذت مورد نظر، یک آرامش ذهنی و همیشگی است، نه یک احساس موقت. زنان روستایی برای دستیابی به آرامش ذهنی ماندگار تلاش و از سکون و عدم فعالیت دوری می‌کنند تا بتوانند به مطلوب خود در زندگی دست یابند.

1. Gurr

2. Huta & Ryan

3. Epicure

### ج) احساس امنیت اجتماعی

امنیت به لحاظ لغوی، رهایی از تشویش، اضطراب، ترس یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است. امنیت را می‌توان در دو عنصر اساسی تهدید و فرصت خلاصه کرد؛ به طوری که برقراری امنیت، منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست. بوزان معتقد است، امنیت یعنی حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲).

بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان، از آن جهت اهمیت دارد که این احساس، یک پدیده روان‌شناختی و ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم زنان از شرایط و اوضاع محیط پیرامون خود (روستاها) است و زنان به صورت‌های مختلف آن را در زندگی خود تجربه می‌کنند. بدون شک، اختلال در احساس امنیت و بروز نگرانی و اضطراب، از تعاملات زنان کاسته و با بروز بی‌اعتمادی در آنان و بی‌تفاوتی فردی و اجتماعی، یکپارچگی جامعه روستایی را برهم می‌زند. زنان روستایی با احساس امنیت اجتماعی، بهتر می‌توانند با دیگران تعامل داشته باشند، زیرا به ارزیابی احساس امنیت خود پرداخته و براساس آن تصمیم می‌گیرند که با چه کسانی و چه زمانی به تعامل بپردازند. زنان روستاهای مورد بررسی، اگرچه از محیط روستا و تعامل و ارتباط با سایر روستائیان احساس امنیت می‌کنند و این احساس به آن‌ها اجازه رفت و آمد آزادانه در روستا و حضور در فعالیت‌های جمعی را می‌دهد، اما گاهی نیز حضور در مکان‌های خلوت روستا، برخورد با افراد غیربومی، حیوانات و ... به احساس ناامنی آن‌ها می‌انجامد. هم‌چنین وجود دیدگاه‌ها و باورهای سنتی حاکم بر روستا، به دختران جوان اجازه فعالیت‌های جمعی در اطراف روستا را نمی‌دهد. آن‌ها همواره این اضطراب و نگرانی را دارند که مبدا با تفکرات منفی اهالی نسبت به خود مواجه شوند. این دغدغه‌ها، تعاملات گروهی و دوستانه زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### روش پژوهش

روش به کار رفته در این پژوهش کیفی است. نگارنده درصدد بوده است تا واقعیات زندگی زنان را از زوایای پنهان بررسی نماید. جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان ۶ روستای دهستان جوشق (لاران، ریجان، خاوه، جوشق، بهار و مهدی‌آباد) از توابع شهرستان دلپجان استان مرکزی تشکیل داده‌اند که تعداد آن‌ها طبق آمار مرکز بهداشت خاوه و ریجان، ۶۷۲ نفر بودند. از این تعداد، ۳۶ زن با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند و

اطلاعات گردآوری شده از آن‌ها به عنوان مشارکت‌کننده، در قالب ۲۲ مصاحبه فردی و گروهی، مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در جدول یک بیان شده است.

گردآوری داده‌های بخش نظری و بررسی ادبیات نظری و تجربی پژوهش با بهره‌گیری از اسناد، طرح‌ها و پایان‌نامه‌ها، پژوهش‌های انجام شده و دیدگاه‌های نظری موجود میسر گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی نیز، از مطالعه اکتشافی، مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته، بحث‌های گروهی متمرکز، مشاهده مشارکتی و مشاهده مستقیم استفاده شد. داده‌ها، با روش نظریه بنیانی و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در مرحله کدگذاری باز، از داده‌های خام مصاحبه‌ها، مفاهیم استخراج گردید. هم‌چنین در مرحله کدگذاری محوری، مجموعه‌ای از مفاهیم، در قالب مقوله‌ها بیان شده است. نگاه کلی به مقوله‌ها، مقایسه آن‌ها با یکدیگر، پرسش درباره رابطه بین آن‌ها بر اساس معیارهای نظریه بنیانی و جابجایی مستمر مقوله‌ها، امکان کنار هم قرار دادن آن‌ها در قالب چند مدل و نمایش رابطه آن‌ها را فراهم کرد. در واقع، مقوله‌های مرتبط، در کنار هم قرار گرفت و مجموعه وسیع‌تری تشکیل شد. هر مجموعه از مقوله‌ها، به پدیده‌ای خاص مربوط بود که هر کدام بیانگر شرایط علی<sup>۱</sup>، شرایط مداخله‌گر<sup>۲</sup>، زمینه<sup>۳</sup>، راهبردهای عمل/تعامل<sup>۴</sup> و پیامدهای<sup>۵</sup> به کارگیری راهبردها بودند.

پایایی پژوهش حاضر براساس رویه تحقیق<sup>۶</sup> کسب شده است. هم‌چنین ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی بود.

- 
1. Causal Conditions
  2. Intervening conditions
  3. Context
  4. Action/interaction strategies
  5. Consequences
  6. Synchronic reliability

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد مشارکت	شماره مصاحبه	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	شغل	روستا	تعداد جلسات مصاحبه
۱	۱	۳۵	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	لاران	۱
۲		۷۰	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	لاران	۱
۳		۵۰	ابتدایی	متاهل	خانه‌دار	لاران	۲
۴		۴۵	ابتدایی	متاهل	خانه‌دار	لاران	۱
۵	۲	۶۳	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	لاران	۱
۶	۳	۳۰	دیپلم	مجرد	شاغل در پست‌بانک روستای خاوه	خاوه	۳
۷	۴	۲۷	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	خاوه	۱
۸	۵	۵۰	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	خاوه	۲
۹	۶	۶۷	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	خاوه	۱
۱۰	۷	۲۵	لیسانس	متاهل	دانشجو	خاوه	۱
۱۱	۸	۲۵	فوق‌دیپلم	مطلقه	به‌ورز خانه بهداشت ریجان	ریجان	۲
۱۲	۹	۱۹	لیسانس	متاهل	دانشجو	ریجان	۱
۱۳	۱۰	۱۹	دیپلم	مجرد	خانه‌دار	ریجان	۱
۱۴	۱۱	۳۷	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	ریجان	۲
۱۵	۱۲	۲۷	لیسانس	مجرد	دانشجو	ریجان	۲
۱۶		۲۸	سیکل	مطلقه	خانه‌دار	ریجان	۱
۱۷		۴۰	سیکل	متاهل	خانه‌دار	بهار	۱
۱۸	۱۳	۶۴	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	بهار	۱
۱۹		۴۵	ابتدایی	متاهل	خانه‌دار	مهدی‌آباد	۱
۲۰	۱۴	۵۵	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	مهدی‌آباد	۲
۲۱	۱۵	۶۰	ابتدایی	متاهل	خانه‌دار	مهدی‌آباد	۱
۲۲	۱۶	۳۷	زیردیپلم	مجرد	آشپز خانه سالمندان	خاوه	۲
۲۳		۶۵	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	خاوه	۱
۲۴		۳۰	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	خاوه	۱
۲۵	۱۷	۴۰	لیسانس	متاهل	مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خاوه	خاوه	۲

کد مشارکت	شماره مصاحبه	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	شغل	روستا	تعداد جلسات مصاحبه
۲۶	۱۸	۳۵	لیسانس	متاهل	مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خاوه	خاوه	۳
۲۷	۱۹	۳۳	کارشناس ارشد	مطلقه	مدیر خانه سالمندان	خاوه	۲
۲۸	۲۰	۳۴	دانشجو (کارشناسی)	متاهل	مددکار خانه سالمندان	خاوه	۳
۲۹	۲۱	۶۰	بی سواد	متاهل	خانه دار	بهار	۲
۳۰		۴۰	ابتدایی	متاهل	خانه دار - مداح	بهار	۲
۳۱		۳۵	سیکل	متاهل	خانه دار	بهار	۱
۳۲		۶۰	بی سواد	متاهل	خانه دار	بهار	۱
۳۳		۳۱	لیسانس	متاهل	خانه دار	بهار	۱
۳۴		۳۵	سیکل	متاهل	خانه دار	بهار	۱
۳۵		۴۰	ابتدایی	متاهل	خانه دار	بهار	۱
۳۶		۲۲	۴۰	سیکل	متاهل	خانه دار - قالی باف مهدی آباد	بهار

### یافته‌های پژوهش

#### الف) مفهوم شادی

درک بومی زنان از مفهوم شادی دارای چندین مؤلفه بود: بخشی از مفهوم شادی با دورهمی‌های زنانه عجین است.

- حضور در کنار یکدیگر، بحث و گفتگو، آگاهی از اخبار و اطلاعات موجود در روستا، درد و دل و... منجر به شکل‌گیری این قبیل دورهمی‌هاست:

«وقتی دور هم جمع میشیم از هم خبر داریم»<sup>۱</sup>.

«الان آگه دقت کرده باشین جلسه تموم شده (جلسه نماز جماعت و دعا و روضه) ولی

باز هم خانم‌ها دور هم نشستند، گرم صحبت‌اند، باهم صمیمی‌اند. از کسی برای هم

حرف نمی‌زنن، باهم نشستند، شوخی می‌کنن، می‌گن و می‌خندن» (۱۰).

<sup>۱</sup>. این کد مربوط به شماره مشارکت‌کنندگان است.

«شادی در روستای ما، دور هم بودن. همین که دور هم میرن و همدیگه رو می‌بینن، یه روحیه شاد برای اون‌هاست وگرنه توی روستا ما فعالیت خاصی نیست که باعث شادی اون‌ها (خانم‌ها) بشه و سرگرم‌شون کنه» (۱۱).

این نوع دورهمی‌های خوشایند، خاص زنان میان‌سال و سال‌مند بوده و البته مقطعی است: «سطح شادی مردم روستا توی بهار و تابستون خیلی بیشتره تا این موقع (اشاره به پاییز و زمستان) که همه توی خونه‌ها هستن. پاییز و زمستون دیگه خبری توی روستا نیست. همه‌جا سوت و کوره» (۱۱).

«توی تابستون که هوا گرم می‌شه، عصرها کوچه پر از خانم‌ها و بچه‌ها میشه که میشینن در خونه و با همسایه‌ها و فامیل‌ها حرف می‌زنن. این براشون خوشاینده و احساس خوبی بهشون می‌ده» (۱۲).

دختران جوان ترجیح می‌دهند که در منزل دوستان یکدیگر را ملاقات کنند و یا میزبان دوستان خود باشند و یا این‌که در مکانی خارج از روستا دور هم جمع شوند. هم‌سن و سال بودن، به درک متقابل زنان می‌انجامد:

«من خودم شخصاً اگه بخوام خوشحال باشم، باید وقتم رو با دوستام بگذرونم؛ با دوستام صحبت و بگو و بخند و شوخی کنیم. سعی می‌کنم وقت آزادم رو با دوستان بگذرونم. توی روستا باهم قرار می‌ذاریم؛ می‌ریم بیرون (دشت). توی امامزاده همدیگه رو می‌بینیم. عصرها هم توی خونه، دور هم جمع میشیم. هفته‌ای یه روز با دوستان هم‌سن‌وسالم توی خونه دور هم جمع می‌شیم. خداییش توی روستا هیچ کاری جمعی نداریم. قبلاً کانون فرهنگی می‌رفتیم، ولی الان نه؛ نه کلاسی هست، نه برنامه‌ای داریم. اگه بخوایم همو ببینیم یا توی خونه است، یا توی روستا، یا امامزاده. چون جای خاصی نداریم؛ مگه این‌که خودمون برای خودمون بسازیم که دور هم باشیم» (۱۵).

«به نظرم اصلاً شادی توی روستا نیست مگه اون یکی دو ساعتی که ما دوستان دور هم جمع میشیم. اون موقع یه ذره شادیم. بعد اون یه ساعت، آب میره سر کندوی اول، دوباره شادی تموم می‌شه» (۱۶).

- حضور در مراسم مذهبی مساجد و حسینیه‌های روستاها و هم‌چنین حضور در مکان‌های مذهبی از جمله مشهد ارده‌ها، بخشی از تجربه شادی زنان را تشکیل می‌دهد:

«بیشترین فعالیت خاوه‌ای‌ها مسجده، یا مراسم مذهبی. خیلی از وقت‌شون رو مسجد میرن» (۶).

«همه مناسبت‌ها توی مسجد ما جلسه هست. بعضی‌ها نذر دارن شام میدن، بعضی‌ها فقط جلسه هست مثل تولد حضرت علی علیه السلام» (۷).

«جلسه‌های روزه توی روستای ما (بهار) بعضی‌هاشون هفتگی و بعضی‌ها ماهانه برگزار میشن. توی محرم و صفر روزانه مراسم هست. خانم‌ها با این مراسم سرگرم‌اند» (۱۱).

- رضایت از زندگی، جنبه دیگری از شادی است؛ ولی باید به این مسأله اشاره نمود که گاه زنان خود را وقف زندگی می‌نمایند و حاضر نیستند زندگی خود را هرچند ناخوشایند، رها کنند:

«اکثراً عنوان می‌کنند که از زندگی شون راضی‌اند. ولی از اون‌هایی که از توی خونه-هاشون اطلاع دارم، نارضایتی وجود داره اما همه‌اش تحمله؛ یعنی خودشون رو به زندگی سپردن. این به نوعی، فرهنگ روستاست. به خاطر این که از قدیم، پای‌بندی به زندگی همیشه بوده، هنوز این تفکر جا نیفتاده که زن هم به عنوان یه انسان حق زندگی داره. مثلاً حالا وقتی یه مورد طلاق پیش میاد، میگن چرا طلاق گرفته؟ برای خود من هم اتفاق افتاده، همه میگن باید می‌موند پای زندگیش؛ و یا این که یه خانمی بچه داره و داره به سختی تحمل می‌کنه و میگه باید تحمل کرد». ...

فرهنگ پای‌بندی به زندگی، نشون میده که توی زندگی حتی اگه جنجال هم هست، باید بمونی. این فرهنگ توی روستا تغییرپذیر نیست. اگرچه این فرهنگ تا حدی تغییر کرده، ولی تغییر زیاد نبوده، چون من می‌بینم جوون‌های توی روستا دارن با مشکلات فراوان کنار میان. دخترهایی رو داریم که مثلاً داره زیر بار کتک مرد له می‌شه ولی حاضر نیست حرف طلاق رو بزنه. میگه باید پای زندگیم بمونم (۱۱).

- جنبه دیگر شادی، معطوف به کار و فعالیت‌های زنان است. آن‌ها وقتی به کار مشغول‌اند، تمام حواس خود را به کاری که انجام می‌دهند، متمرکز می‌کنند. تفاوتی ندارد که کار آن‌ها با درآمد توأم باشد یا نه. جدایی توأم با آرامش از دغدغه‌های روزمره، برای آن‌ها فرح‌بخش است:

«ما بیشتر کار می‌کنیم. فراغت‌مون هم کار کردن و قالی بافیه» (۳۲). خانم‌های روستا با قالی‌بافی آرامش می‌گیرن» (۲۹).

- برخی از زنان مفهوم شادی را معادل خوشبختی خود و اطرافیان‌شان می‌دانند:

«من وقتی شادم و از زندگیم لذت می‌برم که توی محیط کارم بتونم موفق باشم؛ از من توی خانواده راضی باشن؛ من از خانواده‌ام راضی باشم و باهاشون احساس راحتی کنم. این زمانه که احساس خوشبختی دارم، رفاه دارم و از نظر عاطفی شادم» (۲۵).

«وقتی همه مردم و جوون‌ها خوشبخت باشن، ما هم شادیم» (۲۹).

- وجود آرامش در روستا و لذت‌بخش بودن آرامش، نیز به شادی زنان ختم می‌شود. این آرامش هم با حضور در خانواده و هم با معنویات محقق می‌شود. زنان همواره در تلاش‌اند تا بتوانند این حس ارزشمند را در زندگی خود تجربه نمایند:

«زندگی توی روستا رو دوست دارم، آدم آزاده. آرامش توی روستا بیشتر از شهره» (۴).

«روستا خیلی خوبه. محیطش آرامش داره» (۱۶).

«داشتن آرامش توی خونه بیشتر بهم لذت میده. این حس رو توی داشتن مادیات ندارم. این طوری نیست که اگه مادیات باشه احساس آرامش کنم نه. البته شاید بعضی‌ها با مادیات هم آرامش داشته باشن، ولی من از شرایط زندگیم راضی‌ام. قبلاً به این فکر می‌کردم برم شهر؛ شاید اوضاعم بهتر بشه. وقتی که تازه رفته بودم دانشگاه، رفتم شهر، دیدم آرامش و معنویتی که من دوست دارم، توی روستای خودمون بیشتره. به این فکر نکردم که شرایطم رو عوض کنم. همین شرایط رو می‌پذیرم» (۱۰).

- بخشی از عدم شادمانی زنان مربوط به افزایش نگرانی‌ها و اضطراب‌ها در زندگی بوده و منبع این احساسات منفی در زنان جوان مربوط به زندگی و آینده فرزندان است. زنان سالمند نیز از بیماری همسر خود نگران و مضطرب‌اند. به باور زنان، زمانی می‌توان از شادی سخن گفت که فرد در زندگی خود ناراحتی نداشته و دلگیر و افسرده نیز نباشد:

«وقتی آدم بی‌قرار باشه، شادی وجود نداره. همیشه مضطربه» (۲۶).

«وقتی خدای نکرده یه ناراحتی توی زندگی باشه، دیگه شادی وجود ندارد» (۲۷).

- جنبه دیگری از مفهوم شادی در بین زنان روستایی، معطوف به کمک و همیاری بین زنان است. این همیاری‌ها اگرچه در زمان‌های گذشته بسیار بوده و امروزه بسیاری از آن‌ها از بین رفته‌اند،

ولی باز هم می‌توان نمونه‌هایی از آن را در بین آنان مشاهده نمود. این کمک و همیاری در قالب مشارکت در پخت نذری‌ها، اتمام قالی یکدیگر، گل‌چینی، استفاده از وسایل مشترک و قرض گرفتن از یکدیگر جلوه‌گر است:

«وقتی شادم که بتونم کار کسی رو راه بندازم. مثلاً کسی مریضه، بتونم کاری براش انجام بدم، شاد میشم» (۴).

«همسایه‌هامون خوبن؛ احوالمون رو می‌پرسن و اگه یه وقت مشکل داشته باشیم، میان» (۱).

«اگه یه وقت یکی نذری داشته باشه، جار می‌زنن بیاید کمکش؛ میریم سبزی پاک می‌کنیم یا گوشت و لوبیا میداریم توی پاکت. خدایی همه میرن کمک» (۵).

«اگه توی باغ کسی گل بمونه، به هم خبر میدن، میرن کمکش تا گلش تموم بشه و بچینن. اگه کسی قالیش حاشیه و آخرش باشه، میرن کمکش؛ ۴ - ۵ روز کمکش می‌کنن تا قالیشو پایین بیاره. روضه داشته باشه، بقیه میرن کمکش. این‌طور کارا رو خانم‌ها انجام میدن» (۷).

- برخورداری از نعمت سلامتی چه از لحاظ روحی و چه جسمی نیز برای زنان روستایی شادی‌آور است:

«اگه همه حالشون خوب باشه، آدم شاد میشه. حال خودش، فامیلش و غریبه» (۳).

«الان همه امکانات توی خونه‌ها هست، ولی سلامتی نیست. وقتی سالم نیستی، شاد هم نیستی» (۳۰). «وقتی همه سالم باشن، همه شادن» (۲۷).

«شادی یعنی سلامتی. سلامتی مهم‌تره. اگه سلامتی روح و روان داشته باشی، یعنی شادی. ... وقتی سلامتی پدر و مادرم رو می‌بینم، بیشتر بهم حال میده. من خیلی روشون حساسم؛ سلامتی‌شون رو خیلی دوست دارم» (۷).

### ب) نقش اقتصادی زنان

زنان در طول زندگی خود به ایفای نقش‌های متعددی می‌پردازند. برخی از این نقش‌ها مانند قالی‌بافی، خانه‌داری، رسیدگی به فرزندان، قابلگی و... از طریق مادر به دختران منتقل می‌شود. برخی دیگر از نقش‌ها را خود زنان، در طول زندگی می‌آموزند؛ مانند تحصیل دختران در رشته مددکاری و ایفای نقش به عنوان مددکار اجتماعی در خانه سالمندان.

زنان نسل اول و دوم (سالمندان و میان سالان) دهستان جوشق از کودکی قالی بافی را در کنار مادر یاد گرفته و برخی قبل از سن مدرسه به قالی بافی می پرداختند. نسل سوم از زنان (جوانان و نوجوانان) علاقه چندانی به بافت قالی ندارند. مادران نیز تمایلی به آموختن این مهارت به دختران ندارند. آن‌ها معتقدند دختران باید درس بخوانند و مهارت‌هایی که برای زندگی آینده مفید است، مانند سفره‌آرایی، خیاطی، آشپزی و حتی آموزش رانندگی را بیاموزند.

علاوه بر قالی بافی، زنان به ایفای نقش‌های دیگری نیز می‌پردازند. در گذشته، زنان نسل اول مشارکت گسترده‌ای در فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری داشتند. در زمان حال، زنان نسل دوم به طور محدودی در امور کشاورزی و دامپروری مشارکت می‌کنند. تعداد دام‌های موجود در خانه‌های روستایی بسیار محدود است و رسیدگی به امور دام‌ها، بازاریابی و فروش برخی از محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی از وظایف این زنان است. زنان به تولید انواع فرآورده‌های دامی می‌پرداختند و علاوه بر مصرف خانوار، مازاد آن را نیز به فروش می‌رساندند. در سال‌های اخیر به علت کم‌آبی و کاهش فعالیت‌های کشاورزی، زنان نسل دوم و سوم، مشارکت محدودی در گل چینی دارند:

«کشاورزی در حد کمی وجود دارد. فعالیت‌های زنان در امور کشاورزی بستگی به گروه سنی دارد. جوون‌ها که مشارکتی ندارند؛ اگر هم مشارکتی باشه، همون چیدن گل هست. کشاورزی دیگه به اون صورت قبل نیست که خانم‌ها بخوان کمک کنن» (۱۱).

«الان کشاورزی اکثر خاوه‌ای‌ها گل هست. توی کشاورزی گل هم خانم‌ها فقط توی چیدنش کمک می‌کنن» (۱۵).

در عصر حاضر، زنان روستایی به خصوص در روستای خاوه، از راهبرد صندوق‌های خانگی استفاده می‌کنند تا با پس انداز ماهانه خود، این مبلغ را در مواردی که خود صلاح می‌دانند صرف کنند. برخی، آن را برای خرید جهیزیه و یا عروسی فرزندان در نظر می‌گیرند؛ برخی سرمایه قالی می‌کنند و برخی نیز برای سفرهای زیارتی مانند کربلا یا مشهد هزینه می‌کنند. این وام جزئی از دارایی زنان محسوب می‌شود.

در نهایت می‌توان افزود، دگرگونی نقشی، با کاهش سطح تعاملات و همکاری‌های زنان، از میزان فعالیت‌های فراغتی شادی‌آفرین آن‌ها کاسته است؛ زیرا طبق باور زنان روستاهای مورد بررسی، شادی آنان در فعالیت‌های جمعی محقق می‌شود.

### ج) دگرگونی نقش اقتصادی زنان و کاهش شادی آنان

مدل دگرگونی نقش اقتصادی زنان، حاصل از کدگذاری و تحلیل داده‌های پژوهش (با روش نظریه بنیانی) است. این مدل از ارتباط بین مقوله‌های فرعی و اصلی حاصل و رابطه بین آن‌ها نیز تبیین شده است.

نمودار ۱. پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان



## پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان

### \* شرایط علی بروز پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان

کمبود آب، خشک‌سالی و به تبع آن کاهش فعالیت‌های کشاورزی، بخشی از نقش‌های اقتصادی زنان را دچار دگرگونی ساخته و بخشی را از بین برده است. در گذشته، زنان نقش مهمی در کلیه مراحل فعالیت‌های کشاورزی اعم از کاشت، برداشت، فرآوری و حتی فروش محصولات داشتند. فرآوری محصولات کشاورزی و فرآورده‌های باغی نیز بخش دیگری از فعالیت‌های زنان محسوب می‌شد. کاهش فعالیت‌های کشاورزی و تک‌محصولی شدن، نقش زنان را در این حیطه محدود به گل‌چینی، نموده است. نگهداری از دام‌ها و چرای آن‌ها در صحرا نیز یکی دیگر از وظایف آنان بود ولی امروزه زنان، دام‌ها را برای چرا نمی‌برند.

تغییر سبک کشاورزی و ظهور تکنولوژی‌های نوین (بهره‌گیری از ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن) از یک‌سو، از نیروی کار زنان کاسته و از سوی دیگر با عدم نیاز به نیروی کار، زمینه‌های مهاجرت فرزندان را نیز فراهم نموده است.

نسل سوم شامل دختران جوانی هستند که تمایلی به کار کشاورزی ندارند.

سالمندی جمعیت و ناتوانی نیز، نقش زن در انجام امور مختلف، را کاسته است. برخی از زنان به دلیل بیماری و ضعف بدنی، قادر به بافت قالی نیستند. هم‌چنین نمی‌توانند در گل‌چینی مشارکت کنند.

زنان و دختران روستایی نسبت به گذشته، دارای آزادی عمل و اختیارند. دختران امروزی مشارکت بسیار محدود و اندکی در زمینه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی دارند. در برخی موارد، دختران دیگر در امور خانه‌داری نیز مشارکت نمی‌کنند و مادر، کلیه امور خانه را انجام می‌دهد و مدیریت می‌کند.

عامل دیگر در دگرگونی نقش اقتصادی زنان، شکل‌گیری نهادهای مدرن است که هر یک به نوعی بخشی از وظایف زنان را عهده‌دار هستند. بخشی از وظایف زنان در حیطه آموزش نیز به سایر نهادها مانند مهد کودک، مدرسه و رسانه‌ها سپرده شده است. مادران ترجیح می‌دهند کودکان خود را برای آموزش، از سنین پایین به مهدکودک بسپارند.

بخشی از دگرگونی نقشی نیز به تغییر سبک زندگی روستایی برمی‌گردد. امروزه زندگی شهری و روستایی در بسیاری از جهات مشابه یکدیگر است.

### \*\*راهبردهای پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان

زنان روستایی در مقابل دگرگونی نقش‌هایشان از راهبردهای مختلفی استفاده می‌نمایند. زنان نسل سوم (دختران جوان)، که علاقه‌ای به بافت قالی ندارند، تلاش می‌کنند برای گذران اوقات فراغت، مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند. هم‌چنین آن‌ها سعی دارند، نقش‌های اجتماعی محوله را به خوبی ایفا نمایند. زنان و دختران شاغل نیز سعی در ایفای نقش اجتماعی - اقتصادی خود به عنوان عضو کوچکی از آن مجموعه دارند. زمانی که نقش آن‌ها محدود به ادامه تحصیل است، تلاش می‌کنند تا از فرصت‌ها حداکثر استفاده را برده و قدردان زحمات والدین خویش باشند. این گروه از دختران، در اجرای مراسم مذهبی روستا نقش فعالی دارند. ایفای نقش آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی، محدود به گل‌چینی است. دختران جوان شاهد حضور جمعی خانواده و اطرافیان در جمع‌آوری و برداشت محصولات باغی و زراعی در گذشته بودند. حضور در جمع برای آن‌ها، یادآور لحظات فرح‌بخش بود. امروزه با کاهش فعالیت‌های کشاورزی و کم‌شدن محصولات و به تبع آن دوره‌های خانوادگی، آن‌ها تلاش می‌کنند تا با فراهم آوردن زمینه‌های دوره‌های دوستانه (پیاده‌روی، گردش دسته‌جمعی با دوستان)، لحظات شادی را برای خود و همسالان ایجاد نمایند.

نسل دوم از زنان با دگرگونی نقشی، فرصت بیشتری برای انجام امور مورد علاقه خود دارند. بسیاری از میانسالان روستایی مهارتی غیر از قالی‌بافی ندارند و در اوقات فراغت خود نیز به بافت قالی مشغول‌اند. برخی برای حفظ خودکفایی اقتصادی و داشتن پس‌انداز، مبلغی از یارانه خود را در صندوق‌های خانگی پس‌انداز می‌کنند تا مبلغ مورد نظر علاوه بر پس‌انداز، مبلغی برای خرید لوازم قالی و... شود. دوره‌های آن‌ها، محدود به مراسم مذهبی نیست، حضور در دوره‌های مقطعی (پیاده‌روی‌های مناسبتی، کوچه‌نشینی و...)، آن‌ها را از دغدغه‌های زندگی روزمره جدا کرده و لحظات شاد و مفرحی را در جمع همسالان تجربه می‌کنند.

نسل اول، در ایفای نقش‌های خود به علت بیماری، کهولت سن، ضعف بدنی و... ناتوان‌اند. با این حال، آن‌ها تجربه دوره‌های و حضور خوشایند جمعی گذشته را دارند و در زمان حال نیز تلاش می‌کنند تا با حضور در مراسم مذهبی (آن‌ها فقط شرکت‌کننده‌اند) و دوره‌های مقطعی (کوچه‌نشینی)، از لذت حضور در جمع دیگران بهره‌مند شوند.

**\*\*\* شرایط مداخله‌گر**

هرچه شرایط و محیط زندگی تغییر کند، نقش‌های زنان نیز بیشتر دچار دگرگونی می‌شوند. هم‌چنین افزایش تحصیلات و آگاهی زنان، تنوع امکانات و مشابه شدن زندگی در شهر و روستا، از جمله عوامل تشدید این دگرگونی هستند.

**\*\*\* پیامدهای پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان**

خانواده روستایی در دوره کنونی مصرف‌گرا شده و سطح نیازها تغییر کرده است. این خانواده در گذشته، همه مایحتاج مورد نیاز را می‌کاشت و علاوه بر مصرف خود، مابقی آن را نیز به فروش می‌رساند. اما امروزه در روستاهای مورد بررسی، امور کشاورزی کمتر رواج دارد. مسائلی چون مهاجرت، کم شدن آب کشاورزی و... دست به دست یکدیگر داده تا کشاورزی به عنوان یک فعالیت بدون صرفه اقتصادی قلمداد شود و خانوار روستایی تصمیم بگیرد به جای تولید محصولات کشاورزی، آن‌ها را خریداری نماید. بنابراین امروزه با دگرگونی نقشی زنان، از خودکفایی آنان به خصوص در بُعد اقتصادی کاسته شده است.

از سوی دیگر، یکی از پیامدهای دگرگونی نقش زنان، کاهش شادی آن‌هاست. هم‌چنین یکی از پیامدهای کاهش سطح شادی زنان، فصلی شدن تعاملات شادمانه آنان است. زنان در هر سه نسل، در فصول بهار و تابستان، تعاملات شادمانه بیشتری دارند. زنان سالمند با کوچه‌نشین، زنان جوان با گل‌چینی، حضور در دشت و باغ‌های اطراف روستاها با همسالان و دوستان و خویشان خود تعامل دارند. محدود و مقطعی بودن این تعاملات، منجر به نوسان سطح شادی زنان در طول سال می‌شود. در فصل زمستان، گویی روستا در حالت سکوت قرار دارد. رفت و آمدها محدود هستند. مقطعی بودن تعاملات و دورهمی‌های زنان هم‌چنین موجب می‌شود تا زنان از یکدیگر دور شوند؛ آن‌ها روز به روز از هم غریبه‌تر شده و کم‌کم نسبت به دیگران بی‌تفاوت می‌شوند. محدود شدن آن‌ها به فضای داخل خانه و عدم تحریک و پویایی آنان، به آسیب‌های روحی و جسمی (افسردگی، دیابت و...) در زنان می‌انجامد.

**\*\*\* زمینه**

پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان از میزان، شدت و دوره زمانی برخوردار است. در گذشته، این دگرگونی نقشی کمتر بوده، ولی امروزه، با تغییر سبک و شرایط زندگی، ظهور تکنولوژی‌های جدید، افزایش سطح آگاهی زنان و مشابه شدن زندگی در شهر و روستا، این پدیده عمومیت بیشتری یافته است.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاش نموده است تا به تحلیل نقش اقتصادی زنان روستایی در روستاهای دهستان جوشق پردازد و اثرات این ایفای نقش بر شادزیستی آنان را مورد مطالعه قرار دهد. بدین-منظور ۳۶ زن روستایی به عنوان مشارکت‌کننده، در مصاحبه‌های فردی و گروهی حضور یافتند و اطلاعات گردآوری شده از نظرات آن‌ها، مبنای تحلیل پژوهش را تشکیل داد.

یافته‌ها حکایت از آن داشت که زنان سه نسل در روستاهای مورد بررسی، نقش‌های مختلفی را انجام می‌دهند. بیشتر نقش‌های اقتصادی زنان نسل اول و دوم، (مانند پرداختن به امور دام‌ها، مشارکت در کشاورزی، قالی‌بافی و...) به آنان محول شده است. این دوگروه از زنان، قادر به انتخاب نقش‌های موردنظر نبودند. این نقش‌ها را از مادران خود یاد گرفته و در طول زندگی تلاش نمودند تا با ایفای درست آن‌ها، نقش مفیدی را در تأمین معیشت خانواده ایفا نمایند. ولی نسل سوم علاقه‌مند هستند تا نقش‌های اقتصادی خود را برگزینند. افزایش دامنه انتخاب‌های زنان جوان در زندگی، به آن‌ها قدرت انتخاب می‌دهد تا با تحصیل و یادگیری مهارت‌ها و... در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده مشارکت نمایند. این مشارکت به نوعی به عدم وابستگی آن‌ها در زمینه‌های مختلف می‌انجامد.

مطابق با یافته‌ها، شادی از دید زنان روستایی فقط رضایت از زندگی، احساس امنیت و آرامش و لذت از زندگی نیست، بلکه مشخصه‌های دیگری چون همیاری و همکاری، حضور در جمع و دوره‌می‌های لذت‌بخش، حضور در مراسم مذهبی روستا، کار و فعالیت روزانه، اطمینان از خوشبختی اعضای خانواده و خویشان، نبود فشارهای روانی، برخورداری از سلامت جسمی و... شادی زنان را رقم می‌زند. چنین احساس خوشایندی، عاملی مهم در ایفای نقش‌های زنان محسوب می‌شود، زیرا زنان شاد، قادرند علاوه بر پرداختن به امور روزمره خود و خانواده، دیگران را نیز در انجام وظایف‌شان یاری رسانند. حضور در جمع دوستان و همسالان نیز به شادی مضاعف آن‌ها می‌انجامد.

با توجه به یافته‌ها می‌توان بیان نمود، زنان در روستاهای مورد بررسی، قادر به ایفای نقش‌های مهم اقتصادی همپای مردان هستند. نقش زنان روستایی در اقتصاد خانواده (به‌خصوص زنان نسل اول و دوم) بیشتر معطوف به فرآوری و فروش محدود محصولات در روستاهاست. داد و ستد با شهر و سایر روستاها، کاری مردانه تلقی می‌شود. زنان نسل سوم، به اشتغال در بیرون از خانه علاقه‌مند هستند. برخی از آن‌ها با کار در نهادهای خدماتی روستاها (مانند پست بانک، خانه

سالمدان و...) به تأمین نیازهای اقتصادی خود و خانواده، کمک می‌کنند. تحولات روزافزون در جوامع کنونی و تغییرات گسترده در خانواده‌ها، تغییرات در سبک کشاورزی و ورود تکنولوژی‌ها و در نتیجه کاهش نقش خانوار در این زمینه، افزایش دامنه انتخاب‌های زنان در زندگی، شکل‌گیری نهادهای مدرن و... نقش‌های اقتصادی زنان را دچار دگرگونی نموده و در بسیاری از زمینه‌ها (مانند مشارکت در چیدن و بهره‌وری محصولات باغی، همیاری‌های سنتی و...) از فعالیت‌های اقتصادی جمعی آن‌ها کاسته است. درحالی‌که طبق شواهد، حضور در جمع دیگران، یک مشخصه مهم برای شادی زنان محسوب می‌شود.

مطابق با یافته‌ها، برای حفظ شادابی خانواده باید دغدغه‌های زنان را شناخت و برای رفع سریع آن‌ها تلاش کرد. یکی از موارد شاد بودن زنان، داشتن روابط قوی اجتماعی و خانوادگی است؛ هرچه فرد از روابط بیشتر اجتماعی برخوردار باشد، بر شادی وی افزوده و از سلامت قوی روحی و روانی برخوردار خواهد شد؛ چرا که انسان به‌طور ذاتی موجودی اجتماعی خلق شده است. از سوی دیگر، ایفای نقش اقتصادی با زمینه‌سازی حضور زنان روستایی در عرصه جامعه، امکان برخورداری از شادی را برای آنان فراهم می‌سازد. تلاش‌های خود زنان و نهادهای مستقر در روستا مانند خانه بهداشت، مساجد و... برای دوره‌های فراغتی زنانه، حکایت از آن دارد که شادی، یک مفهوم جمعی است و در جمع‌های دوستانه معنا می‌یابد.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان افزود، نیمی از عوامل ایجادکننده شادی، به خود زنان مربوط است که با راهبردهای مختلف، هر سه نسل تلاش می‌کنند تا آن را محقق سازند. داشتن فعالیت، ارتباطات اجتماعی گسترده و تعامل داشتن با دیگران، تقویت معنویت و... سهم زنان در خلق شادی آن‌هاست. ولی نیمی دیگر به شرایط جامعه باز می‌گردد. تجربه تاریخی کشور ما، ضمن تأکید بر اعمال راهبرد بالا به پایین در توسعه، از شکست آن در این فرآیند حکایت دارد؛ بنابراین، بر مبنای این تجربه و افزایش حوزه معرفتی و دانش علمی، لازم است که جامعه، توجه به توسعه را با محوریت مشارکت مردمی، سرلوحه برنامه‌ها و تدابیر خود قرار دهد. توسعه خودجوش و درون‌زا حکم می‌کند که در تمام مراحل و شرایط مختلف، مبنای کار بر جلب مشارکت مردم محلی به‌خصوص زنان در جهت بسیج منابع و نهادینه‌سازی مشارکت‌های محلی با تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی قرار گیرد. مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف جامعه به‌خصوص عرصه اقتصادی، باعث می‌شود تا احساس بیگانگی با برنامه‌ها و عناصر جدید نداشته و در نگهداری و پویایی آن بیشترین همکاری را داشته باشند. برای جلب همکاری زنان، توانمندسازی آنان یک

اصل ضروری است. توانمندسازی به زنان کمک می‌کند تا آگاهانه و با شناخت استعدادهای خود، آنها را در جهت تحقق اهداف جامعه به کار گیرند. احساس مفید بودن در عرصه اقتصادی، بر شادی زنان می‌افزاید.

بنابراین، احترام گذاشتن به توانمندی زنان در عرصه اقتصادی، در سطح کلان به خودکفایی اقتصادی کشور و جامعه خواهد انجامید. در سطح خرد، این خودکفایی، زمینه‌های رضایت خاطر و آرامش روانی و در نتیجه نشاط آنها را فراهم خواهد نمود.

## منابع

۱. بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۲. جعفروند، فرشاد و فتحی، سروش (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر رابطه سرمایه اجتماعی و شادی در زندگی دانشجویی (مورد مطالعه: دانشجویان واحد علوم تحقیقات تهران)»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۳ (مسلسل ۲۷)، ۸۱-۹۵.
۳. حقی، سمیه. (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی اثرات ریسک‌های اجتماعی بر میزان نشاط اجتماعی زنان شهری و روستایی دلیجان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۴. حیدری، غلامرضا و جهان‌نما، فهیمه (۱۳۸۲)، «توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی - روستایی»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۶، ۱۶۴-۱۲۹.
۵. رضایی، روح‌اله؛ نوروزی، سپیده؛ مجردی، غلامرضا و صفا، لیلا (۱۳۸۵)، «عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی مرتبط با سلامت زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان اسلام-آباد غرب)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۲، ۱۸۱-۲۰۲.
۶. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۷. سروش مهر، هما؛ رفیعی، حامد؛ کلانتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)»، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۱، ۱۶۵-۱۴۳.
۸. صنعت‌خواه، علیرضا و دادخواه‌فر، معصومه (۱۳۹۵)، «نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد احساس شادمانی دانشجویان دانشگاه آزاد کرمان»، مطالعات ملی، دوره ۱۷، شماره ۱ (۶۵)، ۹۱-۱۰۶.
۹. عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۸۷)، تحولات فرهنگی در ایران، تهران: روش.

۱۰. عنبری، موسی (۱۳۹۷)، ستایش شادمانه: تبیین نشاط اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۱. غفاری، سیدرامین و ترکی هرچگانی، معصومه (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی: روستاهای بخش فارسان)»، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۲، شماره ۳، ۱۳۰-۱۰۹.
۱۲. کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: سمت.
۱۳. محسنی تبریزی، علیرضا و میرزایی، محمد (۱۳۸۳)، «سنجش میزان انگیزش به کار و عوامل مؤثر بر آن (مورد جوانان و زنان روستایی استان آذربایجان شرقی)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۴، ۳۱-۳.
۱۴. میرنژاده، علی اصغر؛ علی آبادی، وحید و شمس، علی (۱۳۸۹)، «واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی»، روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۲، ۱۶۵-۱۴۷.
۱۵. میرلطفی، محمودرضا؛ بندانی، میثم و شهرکی، سعیده (۱۳۹۲)، «بررسی نقش کار پنهان زنان در سطح رفاه خانوار روستایی (مطالعه موردی: زنان روستایی شهرستان هامون)»، برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۳، شماره ۳ (پیاپی ۱۰)، ۶۷-۴۹.
۱۶. نعیمی، امیر؛ نجف‌لو، پریسا؛ صلاحی مقدم، نفیسه و گلباز، سیده شیرین (۱۳۹۶)، «عامل‌های مؤثر بر مقدار مشارکت زنان روستایی گرمسار در فعالیت‌های روستایی»، فصلنامه زن و جامعه، دوره ۸، شماره ۲۹، ۲۲-۱.
۱۷. یعقوبی فرانی، احمد؛ سلیمانی، عطیه و موحد، رضا (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی، سال ۱۲، شماره ۴، ۴۲-۷.
18. Alberktsen, G. (2003) Happiness and related factors in pregnant women. department of psychiatre . faculty of mediene, chulalongkorn university. Bangkok, Thailand.
19. Cooper, M. L., Shaver, P. R., & Collins N. L (1998) Attachment styles, emotion regulation, and adjustment in adolescence. Journal of Personality and Social Psychology, 74, 1380-1397.

20. Dolan, P, Peasgood, T, & White, M. (2007) Do we really know what makes us happy? A review of the economic literature on the factors associated with subjective well-being, *Journal of Economic Psychology*.
21. Gurr, Tedd Robert. (2003) *Why Men Rebel*. Princeton. N.J: Princeton University Press.
22. Huta, V., & Ryan, R. M. (2010) Pursuing pleasure or virtue: The differential and overlapping well-being benefits of hedonic and eudaimonic motives. *Journal of Happiness Studies: An Interdisciplinary Forum on Subjective Well-Being*, 11(6), 735–762.
23. Koivumaa-Honkanen, H., Koskenvuo, M., Honkanen, R. J., Viinamäki, H., Heikkilä, K., & Kaprio, J. (2004) Life dissatisfaction and subsequent work disability in an 11-year follow-up. *Psychological medicine*, 34(2): 221-228.
24. Odoemelam, L. E.(2016) Empowering Rural Women through Access to Information and Knowledge Resource in Abia State. Nigeria. *International Journal of Research in Agriculture and Forestry*, 3(7), 1-7, ISSN 2394-5907 (Print) & ISSN 2394-5915 (Online).
25. Overholt, C. (1995) *Gender Roles in Development project*, From: [www.mirror.ac.cn/English for Agriculture/Lesson 15/read 15. htm](http://www.mirror.ac.cn/English for Agriculture/Lesson 15/read 15. htm).
26. Scherer, K. A., Summerfield, A. B. & Walcott, H. G. (1986) *Experiencing Emotion*. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Schwarz, N. & Strack, F. (1991) Evaluating one's life: A judgment model of subjective well-being. In F. Strack, M. Argyle and N. Schwarz (Eds.). *Subjective Well-Being: An Interdisciplinary Perspective*. Oxford: Pergamon Press.

28. Ugboma, M. U. (2014) Availability and use of Indigenous knowledge amongst rural women in Nigeria. *Chinese Librarianship: An International Electronic Journal*, 38.
29. Velazco, Y., Roya, M. (2005) Exploring the relationship between happiness, objective and subjective well-being: evidence from rural Thailand. Paper Presented at the Capabilities and Happiness Conference.

**Analysis of the Economic Role of Rural Women and Its  
Impact on Sense of Fulfilment in Life  
(Case Study: Joshagh District, Delijan County)**

Somayeh Haghi

**Abstract**

Managing household responsibilities, attending to spouses, and raising children are parts of women's roles. Women's roles reach their fullest expression when they also actively participate in economic activities, serving as productive members of society. In line with this perspective, in the present study attempts are made to investigate the economic roles of three generations of women from the villages of Joshagh District in Delijan County, Markazi Province, and analyzes the effects of their economic roles on their sense of fulfilment in life. This qualitative research is the results of eight months of fieldwork conducted by the author in six villages within the district. Data were collected through individual and group interviews with 36 women and analyzed using the grounded theory approach.

The findings indicate that the economic roles of three generations of women have undergone significant transformations over the years. These role transformations followed by a decrease in women's interactions and collaborations, a rise in their reliance on external institutions, and the loss of economic self-sufficiency, have contributed to a decline in their overall sense of fulfilment in life. The results show that in an attempt to cultivate a spirit of collective activity and a sense of fulfilment within themselves, First-generation women resorted to occasional gatherings, such as participation in religious ceremonies, while Second-generation women utilized their acquired skills, such as carpet weaving and third-generation women (youth) have limited participation in tasks like flower picking, in order to make the most out of their leisure time and avoid individualism.

**Keywords:** Rural women, economic role, sense of fulfilment.